

الکرم فی اخبار مکة: علی بن تاج الدین السنجاری (م. ۱۲۵ق.)، مکة، جامعة ام القرى، ۱۴۱۹ق؛ النجوم الزاهرة: ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ق.)، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنووط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق؛ وفيات الاعیان: ابن خلکان (م. ۶۸۱ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

علی احمدی میرآقا



اخلاص ← نیت

اخوان: مجموعه‌ای از قبایل بدوی عرب، پیرو سرسخت وهابیت و بازوی نظامی آل سعود

در دوره سوم به قدرت رسیدن آل سعود که به تشکیل حکومت سعودی و نابودی حکومت‌های محلی آل رشید و هاشمیان در جزیره عربی و یکپارچگی حکومت آن انجامید (← آل سعود)، افرادی از قبایل بدوی عرب که با دل و جان به مذهب وهابیت گرویده بودند، به حمایت و پشتیبانی از آل سعود و گسترش این مذهب پرداختند که به «اخوان» به معنای برادران یا «اخوان التوحید» شناخته شدند. اوج فعالیت آنان میان سال‌های

خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ الشامل للمدينة المنورة: عبدالباسط بدر، ۱۴۱۴ق؛ تاریخ امراء مكة المكرمة: عارف عبدالغنی، دار البشائر، ۱۴۱۳ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوك): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ مدينة دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ مکة از آغاز تا پایان دولت شرفای مکة: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ التنبیه و الاشراف: المسعودی (م. ۳۴۵ق.)، بیروت، دار صعب؛ الجامع اللطیف: ابن ظهیر (م. ۹۶۰ق.)، به کوشش علی عمر، مکتبة الثقافة الدینیة، ۱۴۲۳ق؛ الدرر الفرائد المنظمه: عبدالقادر بن محمد الجزیری (م. ۹۷۷ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق؛ دولت حمدانیان: فیصل سامر، ترجمه: ذکاوتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ش؛ سلسله‌های اسلامی جدید: ادموند باسورث، ترجمه: بدره‌ای، فجر اسلام، ۱۳۸۱ش؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن العماد (م. ۱۰۸۹ق.)، به کوشش الارنووط، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق؛ شفاء الغرام: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق؛ الكامل فی التاریخ: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ مقاتل الطالبیین: ابوالفرج الاصفهانی (م. ۳۵۶ق.)، به کوشش مظفر، قم، دار الکتب، ۱۳۸۵ق؛ مناقح

۱۳۳۰-۱۳۴۸ق/۱۹۱۲-۱۹۳۰م. بوده است.^۱ این گروه ارتباطی با جنبش اخوان المسلمین در مصر و دیگر کشورهای عربی ندارد. سیر تاریخی اخوان از پیدایش و همراهی با آل سعود تا درگیری با آنان که به انقراض ایشان انجامید، بخشی مهم از تاریخ معاصر جزیره عربی به شمار می‌رود. این گروه نیروی خود را از ساختار استوار قبیله‌ای و نگرش بنیادگرایانه وهابی برگرفت و بی‌هیچ دریغی در راه هدف خود جانفشانی کرد.

◀ **پیدایش و پیشرفت:** حرکت اخوان هنگامی آغاز شد که عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود کوشید تا قبایل بدوی گرونده به مذهب وهابیت را یکجانشین سازد. این کار با هدف نظم‌دهی بیشتر به این قبایل و تبلیغ وهابیت در میان ایشان و به کارگیری آنان در نبردهای مذهبی آل سعود با عنوان جهاد، صورت پذیرفت.^۲ آل سعود پیشتر در نبردهای خود بیشتر از شهرنشینان بهره می‌گرفتند که از مردم صحرائشین ثابت‌قدم‌تر بودند. اما عبدالعزیز که مدتی با صحرائشینان زیسته بود، به این اندیشه افتاد که از نیروی بادیه‌نشینان استفاده کند که جنگجو تر از شهرنشینان بودند.^۳ از این رو، ابتدا ایشان را در آبادی‌هایی

ساکن کرد و تعالیم مذهب وهابیت را به آنان آموخت. این آبادی‌ها را «هجر» و نیز «هجره» از ریشه هجرت نامیدند. شمار این مناطق را تا ۲۰۰ آبادی گزارش کرده‌اند که در سراسر جزیره عربی از شمال تا جنوب و به طور مشخص در ایالت شرقی عربستان، از مرزهای بادیه شام تا ربع الخالی، و از غرب تا نزدیک کوه‌های حجاز و عسیر گسترده شده بود.^۴ برخی از آن‌ها چندان بزرگ بودند که تا ۱۰/۰۰۰ تن را در خود جای می‌دادند و برخی نیز چندان کوچک که تنها ۱۰ تن را در بر می‌گرفتند. شناخته شده‌ترین قبایل در این میان عبارتند از: حَرَب (۲۷ آبادی)، عُثَیْبَه (۱۹)، مُطَیْر (۱۶)، عُجْمان (۱۴)، شَمَر (۹) و قَحْطان (۸).^۵

نخستین هجرت از این گونه در سال ۱۹۱۲م. در ارطاویه در شمال ریاض و شمال شرقی زُلَیفی، بر سر راه کویت رخ داد که قبایل مُطَیْر و حرب را در خود جای داده و مرکز اصلی فعالیت‌های اخوان بود.^۶ بزرگ‌ترین آن‌ها غَطَّعْط در دامنه کوه طَوَیْق در جنوب غربی ریاض و ۷۵ کیلومتری جنوب غربی جاده اصلی مکه بود^۷ که افراد آن از قبیله عُثَیْبَه و

۴. السلفیه، ص ۳۹۶؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۲۳۸.

۵. تممة تاریخ نجد، ص ۱۷۳-۱۷۹؛ تاریخ نجد و ملحقاته، ص ۴۵۶.

۶. الاعلام، ج ۵، ص ۱۶۶؛ سرزمین سلاطین، ج ۱، ص ۲۰۲.

۷. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۲۳۸.

۱. الاعلام، ج ۴، ص ۲۰؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج ۱۰، ص ۱۳۴۷.

2. The heart of Arabia, p 131.

۳. دانشنامه ایران و اسلام، ج ۱۰، ص ۱۳۴۷-۱۳۴۸.

مطیر	۱۵۰۰	قرية العُلیا
مطیر	۱۰۰۰	قرية السُّفلی
مطیر	۱۰۰۰	مبايض
عتیبه	۱۰۰۰	عُروه
مطیر	۱۰۰۰	أثله
مطیر	۱۰۰۰	فَرِثان
عتیبه	۱۰۰۰	سَنام

دولت بیشتر می‌کوشید که قبایل گوناگون را در این آبادی‌ها کنار یکدیگر گرد آورد تا از تعصب قبیله‌ای آنان کاسته، کشمکش‌های تاریخی میان ایشان را از میان ببرد، هر چند در بسیاری از آن‌ها همگونی قبیله‌ای دیده می‌شد.^۵ بدین سان، اعراب بدوی زندگی در چادرها را رها ساخته، در خانه‌های گلین زندگی گزیدند و به تدریج به اقتضای تغییر شیوه زندگی، از دامداری به کشاورزی یا بازرگانی روی آوردند. دولت برای کمک به آنان، زمین در اختیارشان نهاد و مسجد و مدرسه و خانه برایشان ساخت و در تهیه ادوات کشاورزی و بذر و سلاح یاریشان کرد و برای هر مجموعه معلمی به نام مطوع (ج: مطاوعه) تعیین نمود تا اصول و هابیت را به آنان بیاموزد.^۶ تعلیمات دینی اخوان زیر نظر شیخ عبدالله بن محمد بن عبداللطیف از آل شیخ* (نوادگان محمد بن عبدالوهاب) اداره

۵. جزيرة العرب، ص ۲۸۵.

6. The Arab of the desert, p 45.

فرمانده آنان سلطان بن بجاد بن حمید، شیخ تیره برقی، بود. او نقشی مهم در پیشبرد نبردهای آل سعود و تأسیس دولت سعودی داشت.^۱

تعداد جنگجویان اخوان به سرعت رو به فزونی بود و در سال ۱۹۲۶م. به ۷۶۵۰۰ تن رسید.^۲ راونگیر، جهانگرد دانمارکی که در مارس ۱۹۱۲م. از ارطویه گذر کرده، هیچ تأسیسات شهری مهمی در آن ندیده و زندگی ساده و ابتدایی آنان را گزارش کرده است. او گزارش نموده که آنان فرماندهی هولناک به نام فیصل بن سلطان دُویش داشته‌اند.^۳ فهرستی از شناخته شده‌ترین هجرها از این قرار است:^۴

نام	تعداد جنگجویان	قبیله
عَطْفَط	۵۰۰۰	عتیبه
أرطویه	۲۰۰۰	مطیر
عرجا	۲۰۰۰	عتیبه
داهنه	۲۰۰۰	عتیبه
صرار	۲۰۰۰	عجمان
اجفر	۲۰۰۰	شمر
نفی	۱۵۰۰	عتیبه
مشیرق	۱۵۰۰	الدواسر

۱. السلفیه، ص ۳۹۶؛ الاعلام، ج ۳، ص ۱۰۹.

۲. تاریخ نجد و ملحقاته، ص ۴۵۶.

3. GennemWahhabiternes Land paaKamelryg, p 96.

۴. تاریخ نجد و ملحقاته، ص ۴۵۴-۴۵۶.

می شد. او رساله‌ای کوچک بر پایه فقه حنبلی ترتیب داد که تعلیم دینی بر مبنای آن صورت می گرفت. نیز کتاب‌هایی از ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه، از پیشگامان تفکر سلفی وهابی، در هجره‌ها قرار دادند.^۱

این تعلیمات و شیوه زندگی از آنان افرادی تندرو و سختگیر و متعصب ساخت و البته زندگی بی‌قاعده و قانون‌گریز آنان را کنترل کرد و نظم و فرهنگ فرمانبرداری از قانون را به ایشان الهام کرد. قدرت اعتقادات سخت و بنیادگرایانه وهابی به آن‌ها نیروی جانفشانی و شجاعت بی‌نظیری بخشید تا آن‌جا که سوار بر شتر و با شمشیر و دیگر سلاح‌های سنتی و نیز تفنگ‌های ساده، صدها کیلومتر را پیموده، در برابر تسلیحات سنگین مانند هواپیما و تانک و نفربر مقاومت می کردند. از این جهت، قبایل میان راه از ایشان می‌هراسیدند و خود را از آن‌ها دور می‌ساختند؛ زیرا بر پایه اعتقاد سختگیرانه درباره توحید، به کوچک‌ترین بهانه افراد را کافر شمرده، می‌کشتند.^۲

اخوان به تدریج نظام سازمانی بیشتری یافتند و در سال ۱۹۱۸م. به جای سربازان شهرنشین نجدی پیشین، سپاهیان ویژه آل سعود را تشکیل دادند. آنان در همین سال به «حایل»

پایتخت ابن رشید و در سال بعد به حجاز که در تصرف شریف حسین بن علی هاشمی بود، حمله‌ور شدند. در سال ۱۹۲۰م. فتوحات آل سعود به دست اخوان تا منطقه «أبها» و پایتخت کوهستانی عسیر گسترش یافت و در سال ۱۹۲۱م. همه مناطق زیر نفوذ آل رشید در اختیار عبدالعزیز قرار گرفت. در اجتماعی در ریاض با حضور اخوان، به جای عنوان تاریخی امام که برای پیشینیانش به کار می‌رفت، نخستین بار در تاریخ آل سعود، او را سلطان نجد خواندند.^۳

برقراری امنیت در عربستان و نابودی بخشی از دشمنان داخلی و انتقال برخی از آن‌ها به کشورهای همسایه مانند گروهی از قبیله شمر از هواداران آل رشید و به ویژه تشکیل دو حکومت همسایه عربستان به دست خاندان هاشمی یعنی دو تن از فرزندان ملک حسین، عبدالله در اردن و فیصل در عراق، اخوان را به سمت کشورهای همسایه کشاند.^۴ افزون بر این، وجود شیعیان در عراق که اخوان با آنان سرسختانه دشمنی داشتند و ایشان را کافر و بدعت‌گذار می‌شمردند، آن‌ها را واداشت تا به کشورهای همسایه تجاوز کنند.^۵ مهم‌ترین

۳. الاعلام، ج ۲، ص ۳۰۰؛ میقات حج، ش ۴۹، ص ۱۵۳، «مناسک سفرنامه فرامرزی».

4. A history of Jordan and its tribes, p 65-68.

5. Arabia of the Wahhabis, p 158.

۱. تاریخ العربیة السعودیة، ص ۲۹۵؛ الاعلام، ج ۴، ص ۹۹؛ تاریخ

حرم ائمه بقیع، ص ۴۱.

۲. دانشنامه ایران و اسلام، ج ۱۰، ص ۱۳۴۷-۱۳۴۸، «اخوان».

هاشمیان یورش بردند. آنان پس از شکست دادن علی فرزند ملک حسین، به شهر وارد شدند و قتل عام گسترده‌ای را سبب شدند که ترس مردم را برانگیخت. آن‌گاه امیر علی از شهر مکه گریخت و آن را در اختیار اخوان نهاد.^۵ آنان در ربیع الاول ۱۳۴۳ق. / اکتبر ۱۹۲۴م. با لباس احرام به مکه وارد شدند و دو ماه بعد عبدالعزیز از ریاض به مکه پای نهاد. مدینه نیز حدود یک سال بعد در جمادی الثانی ۱۳۴۴ق. / دسامبر ۱۹۲۵م. تصرف شد. به این ترتیب، حاکمیت تقریباً ۱۰۰۰ ساله هاشمیان بر حجاز به دست اخوان پایان یافت.^۶

اخوان با ورود به مکه و مدینه، تحت تأثیر نگرش وهابی، به تخریب زیارتگاه‌ها و مراقد و بسیاری از نشانه‌های تاریخی آغاز اسلام از جمله مزار حضرت خدیجه و حضرت آمنه، زیارتگاه محل تولد پیامبر و مکان تولد ابوبکر پرداخته، اموال و گنجینه‌های فراوان را از درون مزارها و نیز خانه‌های مردم غارت کردند. آنان در همین حال، با نواختن طبل و خواندن سرودهای مذهبی، جشن گرفتند و مردم را از زیارت قبرها نهی کردند. ایشان به

این تجاوزها، قتل عام مردم کربلا در سال ۱۲۱۶ق. و سپس حمله به نجف اشرف و محاصره آن بود که به سبب وجود دیوارهای بلند شهر و مقاومت مردم ناکام ماند.^۱

آنان در سال ۱۹۲۲م. به شمال غربی حایل در مناطق زیر نفوذ اردن یورش بردند و تا وادی صخر در نزدیکی عمان پیش رفتند.^۲ نیز به مناطق تحت نفوذ عراق هجوم بردند و بیشتر به زمین‌های کویت تجاوز کردند.^۳ در همه این هجوم‌ها، انگلیسی‌ها که با هر سه کشور عراق، اردن و کویت پیمان نظامی و سیاسی داشتند و به حمایت از آن‌ها متعهد بودند، به رویارویی با اخوان پرداختند و به تعیین مرزهای سعودی با سه کشور و بستن قراردادهایی میان آن‌ها همت گماشتند.^۴

اعلام خلافت از سوی ملک حسین در حجاز به سال ۱۹۲۴م. حساسیت اخوان را برانگیخت و آن را نوعی بدعت‌گذاری شمردند. نیز در پی انتقاد به شیوه اداره امور حج و حرمین، سرانجام اخوان در اوت ۱۹۲۴م. / صفر ۱۳۴۳ق. پس از آن که نتوانستند در حج شرکت کنند، به فرماندهی ابن لؤی و ابن حُمید، به طائف از شهرهای زیر نفوذ

۵. تاریخ نجد و ملحقانه، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ سرزمین سلاطین،

ص ۲۶۹؛ تاریخ مکه، ص ۷۲۴.

۶. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۹۰؛ ج ۱، ص ۱۸۷؛ تاریخ مکه، ص ۷۵۲-

۷۵۳

۱. ماضی النجف و حاضرها، ص ۲۲۴-۲۲۶.

2. A history of Jordan and its tribes, p 87.

۳. تاریخ الكويت، ص ۲۴۸؛ معركة الجبراء، ص ۸۳.

۴. دانشنامه ایران و اسلام، ج ۱۰، ص ۱۳۵۲.

برخی از این مزارها بی حرمتی نیز نمودند.^۱ این کارها واکنشی تند و گسترده بر ضد آل سعود در جهان اسلام پدید آورد.^۲ بدرفتاری اخوان در مکه با حاجیان دیگر کشورها، زمینه درگیری آل سعود را با دیگر کشورهای اسلامی فراهم آورد. برای مثال سنگباران کردن محمل مصری در حج به سال ۱۳۴۴ ق. / ۱۹۲۶ م. به سردی روابط میان سعودی و مصر تا حدود ۱۰ سال انجامید.^۳ نیز سختگیری‌ها و قرار دادن شروطی برای حاجیان بر اساس مذهب وهابیت، سبب منع یا بازگشت بسیاری از کاروان‌های حج کشورهای اسلامی شد.^۴ در هجوم‌های اخوان به حجاز، شماری فراوان از دانشوران مذاهب گوناگون اسلامی از جمله سید عبدالله زواوی مفتی شافعیان در مکه، شیخ عبدالله ابوالخیر قاضی مکه، شیخ سلیمان بن مراد قاضی طائف، سید یوسف زواوی در سن ۸۰ سالگی، شیخ حسن شیبی، شیخ جعفر شیبی و بسیاری دیگر کشته شدند.^۵

اخوان از لحاظ باورها و پوشش و عادات زندگی، شیوه متفاوت داشتند. آنان با نگرش

افراطی به تعالیم وهابیت، در صدد بازگشت همه جانبه به شیوه زندگی آغاز اسلام بودند و هرگونه تغییر برخاسته از مناسبات دنیای جدید را مصداق بدعت می‌شمردند. آن‌ها مانند پیامبر اکرم ﷺ سبیل خود را تراشیده، ریش را بلند می‌کردند و استفاده از عقال را بدعت شمرده، به جای آن عمامه‌ای سفید بر روی چفیه می‌بستند.^۶ روشنایی برق را به جهت نداشتن روغن یا شمع حرام می‌شمردند و آینه را به سبب بازتاب تصویر آدمی می‌شکستند. مفتی سعودی، شیخ عبدالله بن محمد، و دانشوران دیگر وهابی در بیانیه‌هایی آنان را به میانه‌روی فراخواندند و تأکید کردند که میان عقال و عمامه فرقی نیست و چهار مذهب اهل سنت معتبرند، هر چند مذهب رسمی سعودی حنبلی است. نیز آنان را به پرهیز از تندروی فراخواندند که معمولاً در ایشان اثر نداشت.^۷

◀ **شورش و سرانجام:** پس از پایان نبردهای حجاز و پیروزی بر رقبای آل سعود از خاندان آل رشید و هاشمی، اخوان از یک سو در اندیشه گسترش جهاد به سرزمین‌های دیگر اسلامی به ویژه عراق بودند و از سوی دیگر به رفتارهای بدعت‌آمیز آل سعود مانند استفاده

۱. زعماء الاصلاح، ص ۲۰؛ خلاصة الكلام، ص ۲۷۸؛ كشف الارتباب، ص ۵۵.

۲. تاریخ مکه، ص ۵۷۵-۵۷۶.

۳. تاریخ العربية السعودية، ص ۲۵۴.

۴. خلاصة الكلام، ص ۲۹۴؛ كشف الارتباب، ص ۳۶.

۵. كشف الارتباب، ص ۵۱؛ ملحق البراهین الجلیه، ص ۳۴.

۶. تاریخ العربية السعودية، ص ۳۵۵؛ سرزمین سلاطین، ج ۱، ص ۲۰۳.

۷. الاعلام، ج ۳، ص ۱۰۹؛ تاریخ نجد و ملحقاته، ص ۲۶۵، ۴۳۳-

۴۲۶

از بزرگان اخوان حضور یافتند و اطاعت خود را از عبدالعزیز اعلام کردند، هر چند هنوز انتقادشان پا بر جا بود. سیر این روابط و نیز اختلاف‌ها از مکاتبات میان سلطان بن بجاد از سوی اخوان و ملک عبدالعزیز قابل پیگیری است.^۴

پس از شدت یافتن اختلاف‌ها، سه تن از رهبران اخوان، فیصل بن سلطان دویش، سلطان بن بجاد و ضیدان بن حثلین عجمانی در شهر ارطویه در سال ۱۹۲۶م. گرد هم آمدند و پیمان بستند که نبرد با کافران و مشرکان را ادامه دهند.^۵ اختلاف مرزی میان عراق و عربستان در سال ۱۹۲۷م./۱۳۴۶ق. سبب یورش اخوان به پاسگاه‌های عراقی و قتل عام سربازان شد که واکنش انگلیسی‌ها را در پی داشت. آنان مناطقی از نجد را بمباران کردند و سپس گروهی از اخوان به رهبری ابن حمید بر آن شدند که به کافران عراق، به تعبیر خود، هجومی سخت برند. ابن سعود آنان را از این کار بازداشت و بزرگان اخوان را به همایشی در ریاض دعوت نمود؛ اما ابن حمید، دویش و عجمانی در آن شرکت نکردند.^۶ ادامه یورش‌ها از سوی ابن حمید در داخل و

از ماشین و تلفن و تلگراف و نیز پیمان‌هایشان با کافران انگلیسی انتقاد داشتند. نیز شیوه رفتار آل سعود را با مردم حجاز تسامح‌آمیز شمرده، خواهان تندروی بیشتر در گسترش توحید بر پایه نگرش وهابی بودند.^۱ این عوامل سبب اختلاف ایشان با آل سعود شد و آن‌ها را از دوستان و یارانی قدیمی به دشمنانی خونین بدل ساخت. نخستین نشانه‌های اختلاف در همایش سران اخوان در ارطویه به سال ۱۹۲۶م./۱۳۴۵ق. آشکار شد که در آن ملک عبدالعزیز به ادله پیش گفته محکوم شد و مورد انتقاد قرار گرفت.^۲ آن‌گاه بیشتر سران اخوان در همایش ریاض به دعوت عبدالعزیز در رجب ۱۳۴۵ق./ژانویه ۱۹۲۷م. حضور نیافتند. در پی این اختلاف‌ها، دانشوران وهابی، به ویژه افرادی از آل شیخ، برای سازگار ساختن دو طرف کوشیدند و در بیانیه‌ای به لزوم اطاعت و فرمانبرداری از پادشاه سعودی به منزله امام تصریح کردند و در عین حال، بر پاره‌ای کارهای اخوان مانند سختگیری و پیشگیری از ورود محمل به مکه و ضرورت تلاش سختگیرانه جهت سنی کردن شیعیان احساء و قطیف، صحه گذاشتند.^۳ دو ماه بعد، در همایشی دیگر در ریاض، حدود ۳۰۰۰ تن

۴. تاریخ العربية السعودية، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ جزيرة العرب، ص ۲۹۲.

۵. جزيرة العرب، ص ۲۹۴-۲۹۵.

۶. تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۲، ص ۴۳۶-۴۳۹؛ معركة

الجهراء، ص ۸۳-۸۴؛ جزيرة العرب، ص ۲۹۳.

۱. تاریخ العربية السعودية، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۲. السلفية، ص ۴۰۱-۴۰۲.

۳. جزيرة العرب، ص ۲۹۲.

نهایی آنان نزدیک شد. نیز فشار انگلیسی‌ها بر نیروهای بازمانده اخوان، به دستگیری سران آن‌ها در کویت انجامید. انگلیسی‌ها آنان را به سعودی‌ها تسلیم کردند و ابن سعود آنان را به زندان افکند.^۲

در پی شکست شورشیان اخوان، بسیاری از هجره‌ها مهجور شدند و برخی از آن‌ها که با آل سعود هم‌پیمان گشتند، همچنان پا بر جا ماندند. نیز گروهی از سران موالی اخوان به مناصبی در حکومت رسیدند و نیروهای نظامی اخوان در گارد ملی عربستان با نام مجاهدان در هم آمیختند.^۳ اما نگرش اخوانی در عربستان از میان نرفت و همچنان تندروی مذهبی در میان طبقه‌ای از وهابیان سلفی، به ویژه در نهادهایی چون «هیئت امر به معروف و نهی از منکر» استمرار یافت. این جریان انتقاد طیف‌های میانه‌رو را در پی داشته و دارد. ظهور جریان‌هایی چون القاعده را نمی‌توان از همین پیوندهای تاریخی و پیشینه‌های آن جدا دانست. همچنین شکل‌گیری «اخوان» در شمال غربی چین در سده ۱۳ق. به رهبری دانشوری وهابی، تحت تأثیر مستقیم اخوان در عربستان بوده است.^۴

۲. معركة الجهراء، ص ۸۹-۹۲؛ الاعلام، ج ۸، ص ۶۶ ج ۵، ص ۱۶۶.

۳. جزيرة العرب، ص ۳۰۱؛ میقات حج، ش ۴۹، ص ۱۵۳، «سفرنامه فرامرزی».

۴. القومیات المسلمة فی الصين، ص ۱۶.

بیرون مرزهای عربستان، به ویژه حمله به بازرگانان نجدی در مسیر مصر و کشتن برخی از آن‌ها، پادشاه سعودی را به ریشه کن کردن فتنه اخوان واداشت. سرانجام در نبردی میان اخوان به رهبری فیصل بن سلطان الدویش و سلطان بن بجاد و نیروهای سعودی به رهبری ملک عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود در روضة السبلة در شمال شرقی شهر زلفی به تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۲۹م. اخوان شکستی سخت خوردند و شماری بسیار از آن‌ها کشته و بازماندگان فراری شدند. دویش نیز زخمی سنگین برداشت و به ارطاویه منتقل گشت.^۱ عبدالعزیز به سوی ارطاویه حرکت کرد و در راه به بدن نیمه جان دویش برخورد کرد و از وی درگذشت. سلطان بن بجاد نیز در شقراء خود را به عبدالعزیز تسلیم کرد و به ریاض انتقال یافت و زندانی شد. اما شورش اخوان همچنان ادامه یافت و دویش پس از بهبودی در کنار پسرش عزیز و نیز عجمانی و دیگر سران اخوان، به هجوم‌های پراکنده در راه‌های منتهی به ریاض دست زدند و افرادی از خاندان سعودی را کشتند و حکومت و قبایل مخالف خود را دچار زیان‌های مالی ساختند. سرانجام با تسلیم شورشیان اخوان از قبیله عتیه به فرماندهی عمر بن ربیعان به آل سعود، بخش بزرگ نیروی اخوان از دست رفت و شکست

۱. الاعلام، ج ۵، ص ۱۶۶؛ Through Wahhabiland on camelback, p 187

الاجنبیه، ۱۹۸۸م؛ كشف الارتباب: سيد محسن الامين (م. ۳۷۱ق.)، به كوشش امين، مكتبة الحريس، ۱۳۸۲ق؛ ماضى النجف و حاضرها: شيخ جعفر شيخ باقر آل محبوبه، چاپ آداب، ۱۳۷۸ق؛ معركة الجهراء ما قبلها و ما بعدها: بدر خالد البدر، دار القيس، ۱۴۰۰ق؛ ملحق البراهين الجليله: سيد مرتضى رضوى؛ ميقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمايندگى ولى فقيه در امور حج و زيارت.

A history of Jordan and its tribes, F. Peake, Coral Gables, Florida, 1958.

Arabia of the Wahhabis, H. Philby, London, 1928.

Gennem Wahhabiternes Land paa Kame- lryg, B. Raunkiaer, Copenhagen, 1913.

The heart of Arabia, H. philby, London, 1922.

The Arab of the desert, H. Dickson, London, 1949.

Through Wahhabiland on camelback, Eng. Tr, New York, 1969.

ليلی راعی



اخوه ← خاوه

اداره شؤون حرمين شريفين ←

رياست العامة لادارة شؤون الحرمين

الشريفين

ادارة العامة للحج ← وزارة الحج

← منابع

الاعلام: الزركلى (م. ۱۳۹۶ق.)، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۹۷م؛ تاريخ العربية السعودية: الكسى واسيليوف، بيروت، شركة المطبوعات للتوزيع و النشر، ۱۹۹۵م؛ تاريخ حرم ائمه بقيع (عليه السلام): محمد صادق نجمى، ترجمه: مهري، قم، المعارف الاسلاميه، ۱۴۲۹ق؛ تاريخ الكويت: عبدالعزيز رشيد، بيروت، دار مكتبة الحياة، ۱۹۷۸م؛ تاريخ المملكة العربية السعودية: صلاح الدين مختار، بيروت، دار مكتبة الحياة، ۱۹۵۷م؛ تاريخ مكة از آغاز تا پايان دولت شرفاى مکه: احمد السباعى (م. ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ تاريخ نجد و ملحقاته: انيس الريحانى، الفاخريه، ۱۹۸۸م؛ تممة تاريخ نجد: سليمان بن سمحان، پيوست: تاريخ نجد، محمود شكرى آلوسى، به كوشش الاثرى، بغداد، دار الوراق للنشر، ۲۰۰۷م؛ جزيرة العرب فى القرن العشرين: حافظ وهبه، قاهره، دار الأفاق العربيه، ۱۹۵۶م؛ خلاصة الكلام فى بيان امراء البلد الحرام: احمد زينى دحلان (م. ۱۳۰۴ق.)، مصر، المطبعة الخيرية، ۱۳۰۵ق؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامى: زير نظر بجنوردى، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۲ش؛ دانشنامه ايران و اسلام: زير نظر احسان يارشاطر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ۱۳۶۰ش؛ زعماء الاصلاح فى العصر الحديث: احمد امين، بيروت، دار الكتاب العربى؛ سرزمين سلاطين: رابرت ليسى، ترجمه: خلعتبرى، شباويز، ۱۳۶۵ش؛ السلفية بين اهل السنة و الاماميه: سيد محمد الكثير، بيروت، مركز الغدير للدراسات الاماميه، ۱۴۱۸ق؛ شفاء الغرام: محمد الفأسى (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش گروهى از علما، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۱ق؛ القوميات المسلمة فى الصين: تسو نينگ، ترجمه: هوا، چين، دار النشر باللغات